

● مهندس کریم نادری مهدیی

دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشگاه تهران

چکیده:

افزایش بیکاری، مهاجرت روستاییان به شهرها، فاصله‌های طبقاتی بین شهر و روستا، فقر و پایین بودن درآمد روستاییان و... از مسائل عمده پیش روی مناطق روستایی کشور است. برای رفع این مشکلات، صنایع روستایی می‌تواند نقش مؤثری ایفا نماید از قبیل: متنوع ساختن اقتصاد روستایی، ایجاد اشتغال، کنترل مهاجرت روستاییان به شهرها، کاهش نابرابریهای منطقه‌ای (فضایی) و کمک به مکانیزه کردن کشاورزی. برای توسعه این صنایع مشکلاتی وجود دارد که از مهمترین و اساسی‌ترین آنها می‌توان کمبود پس‌انداز یا محدودیت مالی را نام برد.

در این زمینه اعتبارات دارای نقش کلیدی است که رفع محدودیت مالی روستاییان علاقه‌مند به صنایع روستایی، کارآفرینان روستایی و صنعتگران روستایی، می‌تواند آنها را به سمت سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی، افزایش بهره‌وری و تولید، ارتقاء و نوسازی فن‌آوری این صنایع سوق دهد. محدودیتهای تقاضای اعتبارات از سوی روستاییان را می‌توان بدین ترتیب نام برد: عدم آشنایی روستاییان به سیستم بانکی، عدم ریسک‌پذیری، فقدان آموزش در زمینه چگونگی دریافت تسهیلات، پایین بودن سطح اطلاعات و آگاهی روستاییان و کارآفرینان روستایی.

با توجه به محدودیتهای فوق و نقش مکتب ترویج برای رفع این محدودیتهای کاملاً روشن است. در این مقاله ابتدا به مفهوم اعتبار و منابع تأمین اعتبار صنایع روستایی ایران اشاره شده است، سپس اهمیت صنایع روستایی مورد بحث قرار گرفته است و به دنبال آن، بحث مفصلی در مورد نقش اعتبارات و کمک مالی در صنایع روستایی تحت عناوین «اعتبارات و سرمایه‌گذاری»، «اعتبارات، بهره‌وری و تولید»، «اعتبارات و فن‌آوری»، صورت گرفته است و سپس به محدودیتهای و مشکلات اعتبارات در صنایع روستایی ایران اشاره و بر نقش ترویج در توسعه صنایع روستایی تأکید شده و با یک نتیجه‌گیری به مقاله پایان داده شده است.

مقدمه

در دهه ۱۹۶۰ توسعه با رشد اقتصادی مترادف در نظر گرفته می‌شد (فرض اصلی رشد اقتصادی در ارتباط با شهر-روستا، این بوده است که رشد اقتصاد صنعتی با تمرکز در شهرهای بزرگ قادر است به طور خودکار توسعه را به مناطق روستایی منتقل نماید (نفوذ به پایین)).^(۱)

با عنایت به بحرانهای بیکاری، فقر و نابرابری که این تفسیر از مفهوم توسعه به بار آورد، منجر به مطرح شدن توسعه همه‌جانبه گردید که به همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه شد. این برداشت از توسعه با توجه به موفقیت‌هایی که داشته، در جواب به عواملی از جمله «گذشت زمان» بی‌پاسخ بوده است و ما را نیازمند به توسعه‌ای کرده است که ارزش معیارهای آن دائمی بوده و با گذشت زمان زیر سؤال نرود که این مورد تحت عنوان «توسعه پایدار»^(۲) مطرح گردیده است. با این تفکر که به دو اصل برابری بین نسلی و برابری درون نسلی یا عدالت اجتماعی که می‌گوید «همه افراد کره زمین باید در مصرف منابع حقوق داشته

باشند» تاکید دارد (WCED, 1987) (۱۳۷۹).

اگر با تاکید بر اصل برابری درون نسلی به مقایسه اختلاف شهر و روستا بپردازیم، مشاهده می شود که بین شهر و روستا در کشور شکاف عمیقی وجود دارد که برای کم کردن این شکاف و نهایتاً توسعه پایدار (تعادل بین شهر و روستا)، استراتژی صنعتی شدن روستاها یا توسعه صنایع روستایی با ایجاد فرصتهای اشتغال برای روستاییان، آنها را از درآمدهای غیرزراعی بهره مند نموده و به عنوان عاملی جهت افزایش رفاه خانوارهای فقیر و روستایی می تواند نقش مهمی ایفا نماید.

مفهوم اعتبار (Credit)

کلمه اعتبار معانی زیادی دارد اما در لغت به معنی اعتماد و تکیه کردن، قول، اطمینان، منزلت و آبروست. معنی اصطلاحی آن عبارت است از اطمینانی که بانک یا مؤسسه ای به شخص ابراز نموده تا مبلغی از سرمایه خود را در اختیار او قرار دهد (شاهین فر، ۱۳۷۲)، در تعریفی دیگر، اعتبار انتقال موقتی قدرت خرید از افراد حقیقی یا حقوقی به فرد دیگری است که کارایی و مدیریت لازم جهت فعالیت را دارد ولی فاقد سرمایه کافی است (کوپاهی، ۱۳۶۸).

اگر بطور کاربردی تعریفی از اعتبار داشته باشیم، اعتبار عبارت است از «هنوع قراردادی که به موجب آن بانکی بنامه درخواست و برطبق دستورات یک مشتری، مأمور است که در مقابل اسناد معینی به شخص ثالث یا به حواله کرد او وجهی پرداخت نماید.» (شاهین فر، ۱۳۷۲)

منابع تامین اعتبار برای صنایع روستایی

منابع تامین اعتبار صنایع روستایی ایران را می توان به منابع رسمی و منابع غیررسمی تامین اعتبار تقسیم نمود. از منابع رسمی می توان به بانکهای تخصصی، بانکهای تجاری و سایر منابع رسمی از قبیل تعاونها، مؤسسات اعتباری، صندوقهای قرض الحسنه و... اشاره نمود.

در مورد بانکهای تخصصی تامین اعتبار برای صنایع روستایی جای بحث فراوانی وجود دارد که در این مقال نمی گنجد، اما نکته اصلی در اینجا است که تعریف روشن و واضحی از صنایع روستایی در کشور وجود ندارد تا بتوانیم بصورت قطعی بین صنایع روستایی، صنایع متوسط و صنایع کوچک شهری تمایز قائل شویم، بعضی از صاحب نظران، این مشکل را با عنوان چالش در توسعه صنایع روستایی یاد می کنند (عمادی، ۱۳۷۹). این مشکل باعث شده است تا هر

بانکی به میل و تشخیص خود تخصیص اعتبار کند و درصد اعتبارات تخصیصی به صنایع روستایی پایین نگاه داشته شود. البته این مشکل اساسی گریبانگیر بانکهای تجاری نیز می باشد و در مورد سایر منابع رسمی تامین اعتبار، این مشکل تا حدودی کم رنگ تر است چراکه مشکل اصلی آنها پایین بودن سرمایه است. منابع غیررسمی تامین اعتبار در صنایع روستایی در واقع منابعی هستند که معیار، چارچوب و قانون مشخصی برای اعتباردهنده وجود ندارد و صرفاً براساس توافق طرفین صورت می گیرد و این امر باعث شده تا دارای بهره متغیری بوده و برای فعالیتهای انتخابی که از طرف وام دهنده صورت می گیرد، اعتبار تخصیص داده شود.

نکته ای که در مورد انتخابی بودن پرداخت اعتبار صورت می گیرد، باعث شده که کارآفرینان در انتخاب نوع فعالیت محدود شوند. مثلاً برای فعالیتهای جدید به علت داشتن ریسک، اعتبار پرداخت نمی شود، به همین دلیل از منافع نوآوریها محروم می شوند.

از منابع غیررسمی تامین اعتبار برای صنایع روستایی می توان به اقوام و دوستان، رباخواران محلی، تاجران شهری، سلف خوان و... اشاره نمود.

در این رابطه صنایع روستایی می تواند نقش مهمی ایفا کرده و این مشکلات را در مناطق روستایی برطرف نماید که به چند مورد آن اشاره می نمایم:

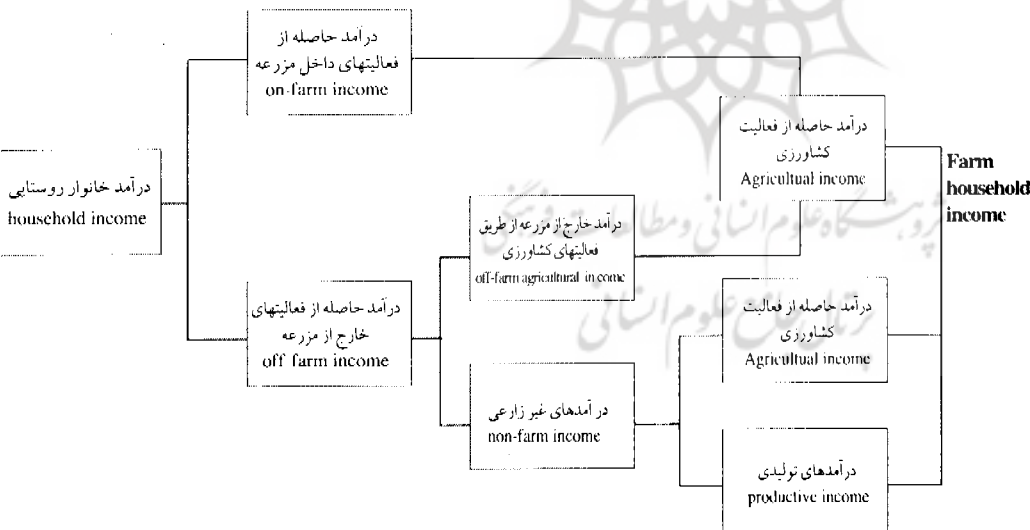
۱- متنوع ساختن اقتصاد روستایی:

با توجه به محدودیت آب و زمین در روستاها لزوم توجه به درآمدهای غیرزراعی آشکار می گردد. اگر شمایی کلی از درآمد خانوارهای روستایی را در پایین بیاوریم، مشخص می شود که عمده ترین درآمد غیرزراعی می تواند مربوط به صنایع روستایی باشد. چراکه توسعه و حمایت از صنایع روستایی علاوه بر درآمد غیرزراعی مستقیمی که عاید روستاییان می نماید، درآمدهای انتقالی را هم برای آنها دربر خواهد داشت.

۲- ایجاد اشتغال با فرصتهای شغلی در مناطق روستایی:

با توجه به سرعت افزایش جمعیت در مناطق روستایی و اشباع اشتغال در بخش کشاورزی، فرصتهای شغلی ایجاد شده جدید متناسب با افزایش رشد جمعیت نیست و بیکاری رفته رفته به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است. (طاهرخانی، ۱۳۷۹). با عنایت به اینکه صنایع روستایی «کوچک مقیاس» و کاربر بوده و از تکنولوژی ساده ای استفاده می نمایند، لذا می تواند نیروی کار

با توجه به سرعت افزایش جمعیت در مناطق روستایی و اشباع اشتغال در بخش کشاورزی، فرصتهای شغلی ایجاد شده جدید متناسب با افزایش رشد جمعیت نیست و بیکاری رفته رفته به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است



(۱) شمایی از منابع درآمد خانوار روستایی

Source: choe.y & flo (1986), Rural industrialization and non-farm activities of asian farmers, P34.

بیشتری را در خود جای دهد و بهترین گزینه برای اشتغال در مناطق روستایی باشد.

۳- کنترل مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها:

بر اساس الگوی «تودارو» مهاجرت، بیشتر واکنشی است نسبت به تفاوت درآمد

اهمیت صنایع روستایی

از مسائل مهمی که پیش روی مناطق روستایی کشور قرار دارد می توان به روند رو به افزایش بیکاری، مهاجرت روستاییان به شهرها، شکاف بین شهر و روستا، فقر و پایین بودن درآمد روستاییان اشاره کرد (مهرفرد،

موردانتظار در شهر و روستا. فرضیه مقدم اصلی این است که مهاجران فرصتهای متعدد بازار کار را که در بخشهای شهری و روستایی موجود است در نظر می گیرند و فرصت شغلی را انتخاب می کنند که منفعت موردانتظار مهاجرت را به حداکثر رساند، منفعت موردانتظار به وسیله تفاوت درآمدهای واقعی بین کار در شهر و روستاها و احتمال بدست آوردن شغلی در شهر توسط مهاجر جدید اندازه گیری می شود. (تودارو، ۱۳۷۷)

در کشور ما مهاجرت روستاییان به شهرهایی که هیچ ظرفیتی برای پذیرش روستاییان ندارد، عواقب اسفناکی در پی خواهد داشت. برای اینکه از بحث اصلی خارج نشویم، به دومورد آن اشاره می کنیم: - مهاجرت باعث تهی شدن روستاها از استعدادها و نیروی فعال محلی می شود که غالب این مهاجران را جوانان تحصیلکرده و بیکار تشکیل می دهند.

- مهاجران ساکن در شهرها، بعنوان یک شهروند نیاز به امکانات شهری دارند و دولت موظف است آن امکانات را برای آنها مهیا کند که این امر باعث جلب سرمایه گذاری و توجه دولت مردان و سیاست گذاران به این مراکز شده و بطور ناخواسته ای توجه به روستاها به فراموشی سپرده شده است و این خود موجب افزایش شکاف شهر و روستا شده و عامل تشدیدکننده مهاجرت خواهد شد. پس اگر با حمایت و توسعه صنایع روستایی، درآمد و سطح اشتغال روستاییان را بالا برده و تفاوت درآمد شهر و روستا را به حداقل برسانیم دیگر با پدیده مهاجرت مواجه نخواهیم بود.

۴- کاهش نابرابریهای فضایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی:

صنایع روستایی با جذب سرمایه گذاریها، درآمدهای انتقالی و از طرف دیگر با افزایش درآمد روستاییان باعث کاهش نابرابریهای منطقه ای یا به عبارت دیگر موجب کاهش فاصله شهر و روستا می شوند (ظاهرخانی، ۱۳۷۹).

۵- کمک به مدرنیزه کردن کشاورزی:

صنایع روستایی می تواند نقش مهمی در توسعه بخش کشاورزی داشته باشد بطوریکه در جریان صنعتی شدن، افزایش سریع درآمدها باعث می شود تا تقاضا برای محصولات کشاورزی بویژه مواد غذایی افزایش یابد. به این ترتیب ایجاد اشتغال، نوسازی کشاورزی، رشد تسهیلات جانی و تنوع مصرف در مناطق روستایی محقق می گردد.

اعتبارات و صنایع روستایی

صنایع کوچک و دستی روستایی به دلیل پایین بودن سطح تولید، دارای مشکل تأمین

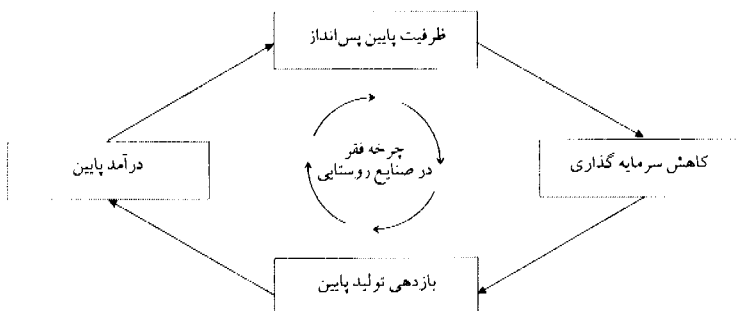


برای افزایش سرمایه گذاری در مناطق روستایی است و عامل سومی که بر سرمایه گذاری صنعتی در مناطق روستایی مؤثر است میزان اعتبارات می باشد (Gersovitz, 1995).

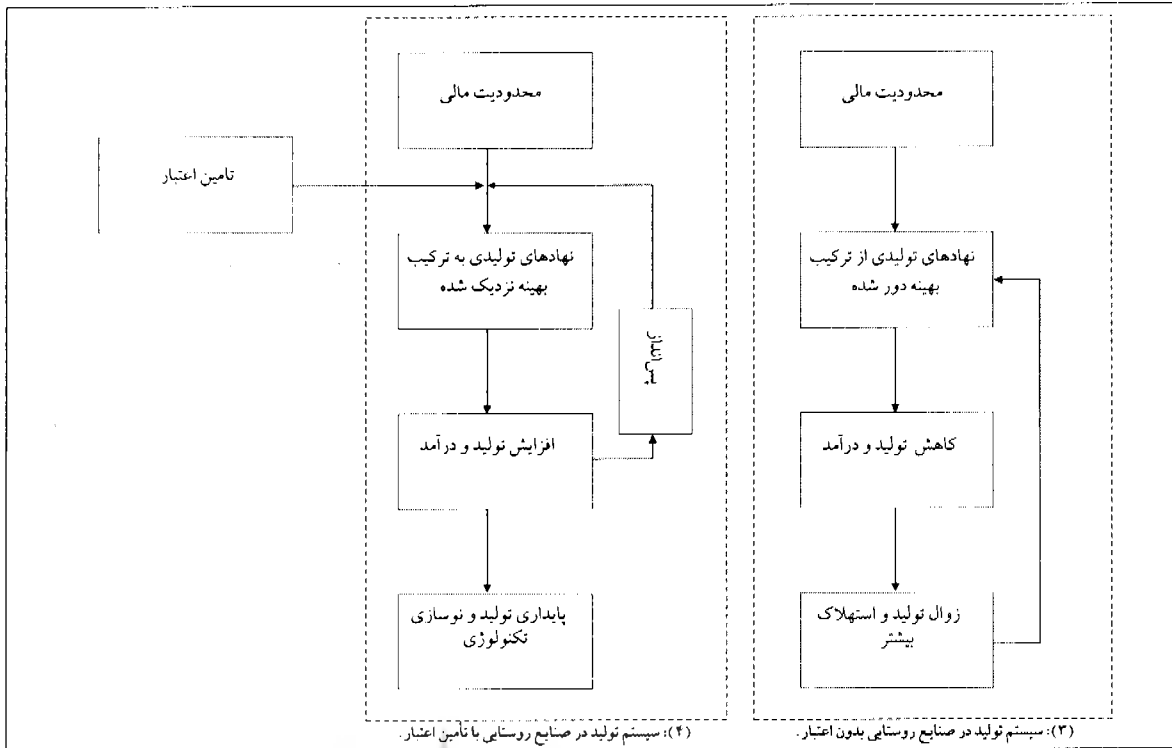
براساس تحقیقات انجام شده، بین افزایش درآمد و افزایش سرمایه گذاری رابطه مثبت وجود دارد که علت این رابطه مثبت وجود یک متغیر واسطه ای بنام پس انداز است، درآمد باعث تشکیل پس انداز می گردد و در صورتی سرمایه گذاری صورت می گیرد که پس انداز وجود داشته باشد، اما عکس آن همیشه ممکن نیست (همیشه پس انداز منجر به

مالی هستند، از اینرو نمی توانند سطح فناوری خود را ارتقا بدهند و حتی تخصیص نهاده های آنها بهینه نیست. این مسئله نیاز به اعتبار و کمک مالی صنایع روستایی را آشکار می نماید. در این قسمت به چند مورد از نقشهای مستقیمی که اعتبارات در توسعه صنایع روستایی دارند اشاره می گردد:

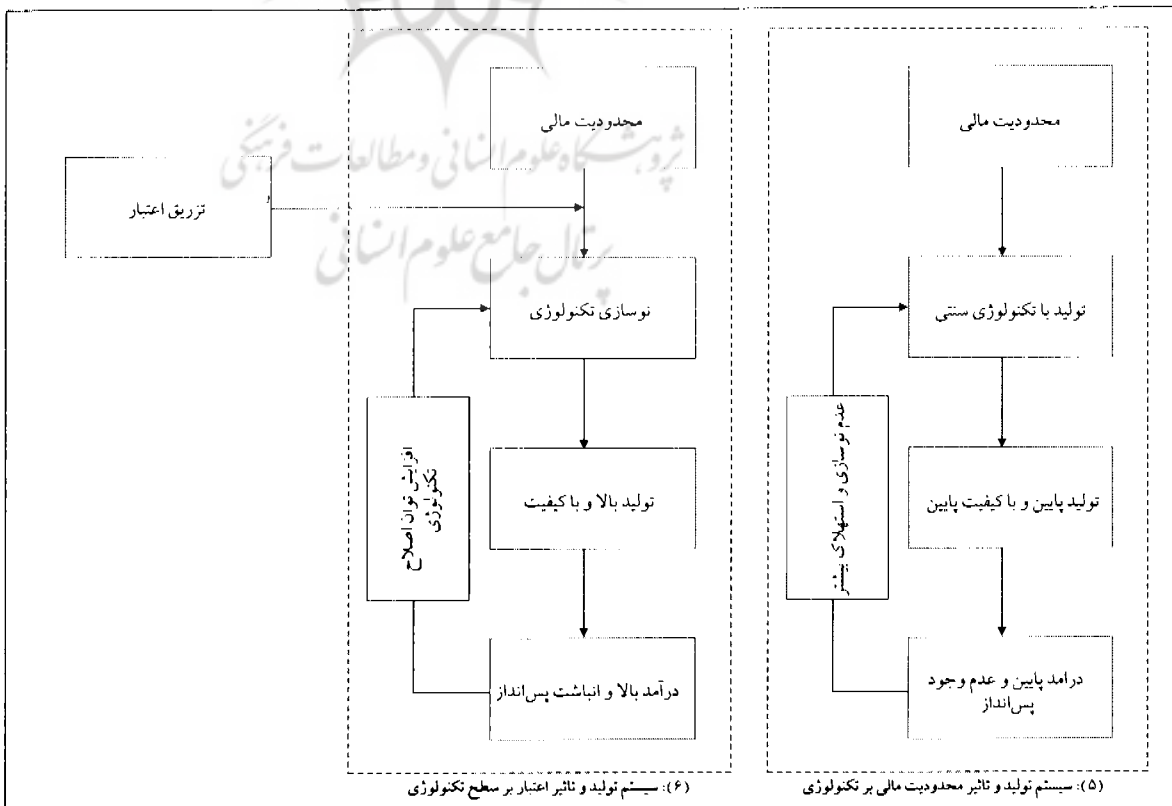
۱- اعتبارات و سرمایه گذاری: همانطور که مطرح شد، صنعتگران خرد روستایی با محدودیت مالی مواجه هستند و مازادی برای پس انداز ندارند تا آن را سرمایه گذاری نمایند. افزایش درآمد و پس انداز دو عامل مهم



(۲). چرخه بسته فقر در صنایع روستایی



سرمایه گذاری نمی شود). (معینی نعمتی ، ۱۳۷۰). یکی از دلایل کمبود سرمایه گذاری در مناطق روستایی ، کمبود سرمایه می باشد که توسط تئوری «چرخه بسته فقر» تبیین می گردد (روزبهان ، ۱۳۷۱). اگر به ساختار عملکردی این تئوری در طرفی که عرضه می شود توجه کنیم ، متوجه می شویم که درآمد پایین موجب پایین آمدن ظرفیت پس انداز می شود و ظرفیت پایین پس انداز موجب کاهش سرمایه گذاری شده و در اثر فقدان سرمایه (سرمایه گذاری) بازدهی تولید آن پایین می آید. پایین بودن بازدهی تولید خود باعث پایین آمدن درآمد می شود و در نتیجه چرخه فقر بسته می شود. در طرف تقاضا هم ، درآمد پایین باعث پایین آمدن قدرت خرید شده و پایین بودن قدرت خرید سرمایه گذاری را پایین می آورد و این باعث کاهش بازدهی تولید می شود و پایین بودن بازدهی تولید نیز به نوبه خود



وقتی صنایع روستایی دارای محدودیت نقدینگی باشند، میزان ترکیب نهاده‌های مورد استفاده از میزان بهینه دور خواهد شد، در این حالت دریافت اعتبار توسط صاحب صنعت به او کمک خواهد کرد تا سطوح استفاده از نهاده‌ها را به مقادیر بهینه نزدیکتر کند و محصول را افزایش دهد

باعث پایین آمدن درآمد می شود و در نتیجه چرخه فقر بسته می شود. اعتبارات، این چرخه بسته را باز می کند و بر رشد و ترقی بخش کمک می کند. البته در مورد تأثیر اعتبارات بر سرمایه گذاری، منتقدانی وجود دارند. برای مثال: «تئودور شولتز» معتقد است که در اغلب کشورهای در حال توسعه، زیرساختها و

واحدهای کوچک سرمایه که در کشورهای جهان سوم صورت گرفته اشاره می نمایم (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۵):
- طرحهای اعتباری خاص که از طریق نهادهای مالی توسعه عمومی اجرا می شوند، مانند طرح اعتباری صنایع کوچک بانک توسعه فیلیپین.
- نهادهای مالی که صرفاً (یا به صراحت)

۲- اعتبارات، بهره وری و تولید:

افزایش تولید و بهره وری مناسب از نهادهای یکی از مهمترین اهداف اعتبارات رسمی در کشور است. در این مورد هم پیش فرض محدودیت مالی برقرار است. پس وقتی صنایع روستایی دارای محدودیت نقدینگی باشند، میزان و ترکیب نهادهای

توزیع بصورت واسطه می تواند مشکلات و یازهای بخش کشاورزی را به بخش صنعت منتقل نموده و فناوری ساخته شده توسط صنعت را به کشاورزان معرفی نماید؛ این ارتباط از یک طرف باعث تأمین مواد غذایی، نیروی کار و مواد اولیه بخش صنعت شده و از طرف دیگر باعث رشد و توسعه بخش کشاورزی می شود و خود این امر، افزایش درآمد روستاییان و استقرار و توسعه صنایع روستایی کاربر از قبیل صنایع تبدیلی کوچک در مناطق روستایی را بدنبال دارد.



سرمایه گذاری های زیربنایی وجود ندارد پس صرفاً توزیع اعتبار نمی تواند به گسترش سرمایه گذاری بینجامد. «آدامز» نیز این مطلب را تأیید نموده و اعلام می کند که سیاستهای اعتباری یک داروی شفابخش برای توسعه کشورهای در حال توسعه نیست بلکه روشهای زیادی برای بهبود وضعیت کشورها وجود دارد و در بهترین حالت سیاستهای اعتباری تنها یک نقش کمکی را در فعالیتهای اقتصادی برعهده دارند (Chakrararty, 1997).

البته مسایلی مطرح شده در رابطه با ارتباط سرمایه گذاری و اعتبارات، تفکری ماشینی به مسئله می باشد که در غالب موارد رخ می دهد (اعتبارات باعث سرمایه گذاری می شود و الی آخر)، اما اگر بطور سیستمی (نظام مند) به مسئله بنگریم، خواهیم دید که مجموعه شرایطی باعث می شود تا اعتبارات به سرمایه گذاری منجر شود که این مقتضیات زمانی و مکانی نیز باید در تخصیص اعتبار به صنایع لحاظ گردد. البته این اقتضای زمانی و مکانی، شیوه توزیع اعتبار را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد که به نقل از «لویسکی» به پنج شکل از تخصیص کمک مالی به

صنایع کوچک مقیاس را تأمین می کنند مانند بانک صنایع کوچک و متوسط جمهوری کره.

- مقررات سهمیه ای که بانکهای تجاری را موظف می کند تا حداقل درصدی از وامهای خود را به واحدهای صنعتی کوچک اختصاص دهند، مانند اقداماتی که در هند، پاکستان و مالزی صورت گرفته است.

- تشویق بانکها به اعطای وام به واحدهای صنعتی کوچک از طریق سودآور ساختن این قبیل وامها؛ برای مثال، از طریق ایجاد صندوقهای تأمین مالی مجدد، سود بیشتر و ضمانت اعتبار طرهای بیمه به منظور کاهش خطرات عدم پرداخت.

- فراهم ساختن اعتبار برای کارگزاریهایی خاص که به منظور تقویت صنایع کوچک مقیاس تأسیس شده اند؛ طرح اعتباری هیأت توسعه صنعتی سریلانکا، نمونه ای از این رهیافت است. بنابراین می توان با استفاده از نتایج بدست آمده از این طرحها در کشورهای مذکور و با توجه به مقتضیات کشور خودمان یک الگوی جدید را برای حمایت از صنایع روستایی بکار برد که از تلفیق تعدادی از آنها بدست می آید.

مورد استفاده از میزان بهینه دور خواهد شد، در این حالت دریافت اعتبار توسط صاحب صنعت به او کمک خواهد کرد تا سطوح استفاده از نهادهای را به مقادیر بهینه نزدیکتر کند و محصول را افزایش دهد (L'eder, 1990).

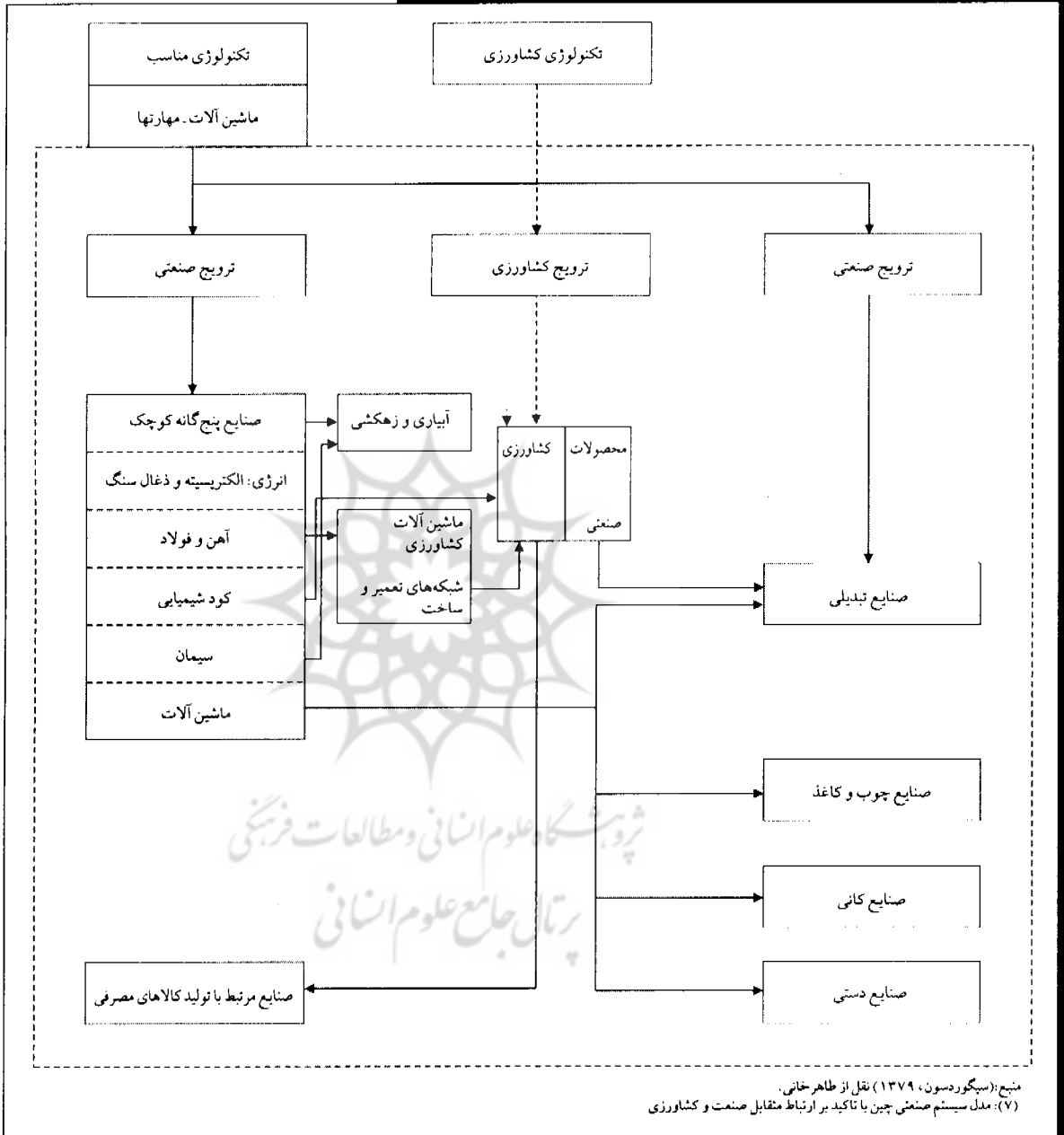
قابل ذکر است که اعتبار فقط در یک مقطع تزریق می گردد و در سایر موارد، سیستم تولید برای تأمین مالی از پس انداز استفاده می کند.

برپایه نظرات «کارتز» اعتبار از سه طریق می تواند بر تولید تأثیر بگذارد (1995 Giersovitz):

- ۱- اعتبار موجب رفع محرومیت مالی شده و به تولیدکننده اجازه می دهد تا نهادهای را به میزان مناسب خریداری نماید و این امر منجر به افزایش کارایی تخصصی می گردد.
- ۲- اعتبار موجب خرید امکانات تکنولوژیکی می شود و به عبارت دیگر کارایی تکنیکی را افزایش می دهد.
- ۳- اعتبار امکان استفاده بهتر از نهادهای ثابت را فراهم می آورد و از این رو باعث افزایش تولید می گردد (غیر مستقیم).

۳- اعتبار و تکنولوژی

مناسب ترین فناوری برای مناطق روستایی آن است که بر سرمایه و مهارت تأکید کمتری داشته و بیشتر بر نیروی کار غیرماهر تکیه کند (مهندسان مشاور DHV، ۱۳۷۵).
با توجه به روند جهانی شدن اقتصاد و تجارت، این یک امر بدیهی است که



منبع: (سیگوردسون، ۱۳۷۹) نقل از طاهر خانی.
(۷): مدل سیستم صنعتی چین با تأکید بر ارتباط متقابل صنعت و کشاورزی

محصولات با کیفیت پایین نخواهند توانست در بازار رقابت وارد شوند. پس ناچار باید فناوری مورد استفاده در صنایع روستایی، متناسب با آن صنایع بالا رود تا حداقل بتواند با تولیدات مشابه داخلی رقابت نماید.

با توجه به مباحث مطرح شده برای تغییر و اصلاح فناوری صنایع روستایی، با عنایت به اینکه این صنایع کوچک مقیاس بوده و دارای محدودیت مالی هستند، نیاز به کمک مالی یا

اعتبارات مشخص می‌گردد.
ارتقاء فناوری یا استفاده از فناوری جدید،
هزینه بیشتری را در مقایسه با فناوری سنتی
در بر خواهد داشت.

محدودیتها و مشکلات اعتبارت در صنایع روستایی

- ۱- محدودیت تقاضای اعتبارات:
 - عدم آشنایی روستاییان با سیستم بانکی
 - روند پیچیده و نامناسب بوروکراسی (کاغذ بازی)
 - ریسک بالای سرمایه گذاری: ریسک بالای سرمایه گذاری به دلیل کمبود مواد اولیه، ضعف و کمبود بازار و کمبود امکانات تولیدی می‌باشد.
 - فقدان آموزش مدیریت و حسابداری: از آنجایی که روستاییان با مدیریت و حسابداری اقتصادی آشنایی ندارند این امر از بکارگیری اعتبارات جلوگیری می‌کند.
 - وثیقه بالا: اغلب بانکها برای دادن اعتبار، وثیقه‌ای به اندازه ارزش اعتبار و یا بیشتر، از متقاضی مطالبه می‌کنند که برای یک فرد روستایی که سند مالکیتی به اندازه ارزش اعتبار ندارد تهیه آن تقریباً غیرممکن است.

بانک)، احتیاط بانکها در تخصیص اعتبار را باعث شده و عرضه اعتبار را محدود می‌کند.

- پایین بودن سقف اعتبارات: اصولاً به دلیل وجود ریسک، اعتبارات پرداخت شده بسیار پایین‌تر از نیاز صنعتگران روستایی بوده است.

- نارسایی قوانین: قوانین و مقررات در مورد صنایع روستایی در بسیاری موارد با یکدیگر تناقض دارند.

نقش ترویج در توسعه صنایع روستایی

با توجه به موارد مطرح شده در مورد محدودیت تقاضای اعتبارات در

صنایع روستایی (عدم آشنایی روستاییان با سیستم بانکی، روند پیچیده و نامناسب بوروکراسی اداری، فقدان آموزش مدیریت و حسابداری اقتصادی و ریسک) که تا حدودی علت آن بی‌سوادی و پایین بودن آگاهی روستاییان می‌باشد، می‌بینیم که ترویج می‌تواند نقش اساسی

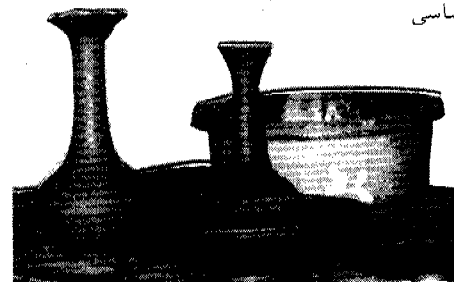
و نیازهای بخش کشاورزی را به بخش صنعت منتقل نموده و فناوری ساخته شده توسط صنعت را به کشاورزان معرفی نماید؛ این ارتباط از یک طرف باعث تأمین مواد غذایی، نیروی کار و مواد اولیه بخش صنعت شده و از طرف دیگر باعث رشد و توسعه بخش کشاورزی می‌شود و خود این امر، افزایش درآمد روستاییان و استقرار و توسعه صنایع روستایی کاربر از قبیل صنایع تبدیلی کوچک در مناطق روستایی را بدنبال دارد.

نمونه موفق ترویج که توانسته است ارتباط متقابل بین صنعت و کشاورزی را بوجود آورد، مدل سیستم صنعتی چین می‌باشد.

نتیجه گیری:

با توجه به مباحثی که مطرح شد به چند نتیجه مهم به شرح ذیل اشاره می‌نماییم:

- ۱- فقدان تعریف مشخص از صنایع روستایی:
علی‌رغم این که صنایع روستایی در کشور سالهاست به فعالیت می‌پردازد، اما هنوز تعریف مشخصی که بر آن توافق عمومی باشد وجود ندارد و طبیعتاً سازمانها و نهادهای تأمین کننده اعتبار، کارآفرینان و صنعتگران روستایی هم از این چالش دور نمی‌باشند، پس لازم است نهادها و



سازمانهای متولی صنایع روستایی تعریفی روشن، جامع و مانع از صنایع روستایی ارائه نمایند تا حیطه کاری سازمانها و نهادهای مرتبط با صنایع روستایی جهت حمایت از آن روشن گردد.

۲- سیاست دولت:

با توجه به اهمیت صنایع روستایی، دولت باید سیاستی فعال در این رابطه ارائه نماید و با توجه به کمبود سرمایه، عوامل و امکانات در مناطق روستایی، خود مستقیماً کمبود سرمایه را با اعتبارات دولتی برطرف نماید.

۳- تمرکززدایی در مقابل تمرکزگرایی صنعتی:

برای بهبود آنها داشته باشد و با آموزش روستاییان درباره روند کار سیستمهای بانکی، مدیریت و حسابداری اقتصادی می‌توان آگاهی مورد نیاز برای گرفتن اعتبار لازم را ایجاد کرد.

نکته دیگر اینکه اکثر روستاییان به وام و اعتبارات به علت مشکل بازپرداخت آن با بدبینی نگاه می‌کنند، در این بین ترویج می‌تواند با تغییر دادن این نگرش، مردم روستایی را برای اخذ اعتبار و نهایتاً سرمایه گذاری در مناطق روستایی تشویق نماید.

نقش مهم دیگری که ترویج باید ایفا نماید، ایجاد ارتباط متقابل بین صنعت و کشاورزی است.

ترویج بصورت واسطه می‌تواند مشکلات

۲- محدودیت های عرضه اعتبارات:

- ریسک: ریسک بالای بازپرداخت وام و هزینه مدیریتی اعتبار پرداختی به واحدهای کوچک صنعتی در مناطق روستایی، موجب کاهش عرضه اعتبار به این واحدها می‌شود.
- نامشخص بودن سیاست دولت: سیاست دولت در خصوص تخصیص اعتبار به صنایع روستایی نامشخص است.

- تخصصی کردن عرضه اعتبار و نادیده گرفتن صنایع روستایی: تخصیص اعتبارات به بانکهای تخصصی محول شده و در این بین مشخص نشده که صنایع روستایی در تخصص کامل کدام بانک قرار دارند.

- قابلیت جایجایی اعتبار: قابلیت جایجایی اعتبارات (مصرف اعتبار در اهدافی غیر از اهداف پیش بینی شده توسط

ارائه طرح‌های مبتنی بر تمرکزگرایی منجر به نادیده انگاشتن توانها و مشکلات مناطق محروم می‌شود، در نتیجه از منابع محلی بطور منطقی استفاده نشده و نیازهای عمومی مردم تأمین نمی‌شود. نتیجه چنین تفکری عدم مشارکت مردم در برنامه‌ریزی است (طاهرخانی، ۱۳۷۹).

«سیگوردسون» معتقد است دو دیدگاه افراطی در خصوص صنعتی شدن وجود دارد، دیدگاه اول معتقد است فرایند صنعتی شدن و گسترش آن باید در مراکز شهری صورت بگیرد، زیرا انتقال به مناطق روستایی متضمن هزینه‌های زیاد و پایین بودن کارایی اقتصادی است.

دیدگاه دوم از انتقال صنعت به مراکز روستایی حمایت می‌کند و معتقد است این فرایند منجر به تحولات اساسی در ساختار اقتصادی مناطق روستایی و تحقق عدالت اجتماعی می‌شود. البته ایشان به هیچ کدام از این دو دیدگاه اعتقاد ندارد و معتقدند که باید صنعت به مراکز بنیادین با اندازه جمعیتی متوسط انتقال یابد. (طاهرخانی، ۱۳۷۹). البته تحقق تمرکززدایی صنعتی به سیاست دولت بستگی دارد، برای نمونه هند سیاستی را بکار برد که در آن صنایعی می‌توانند در مناطق روستایی فعالیت بکنند که به مناطق روستایی منتقل بشوند و این گونه صنایع اجازه فعالیت در مناطق شهری رانخواهند داشت، البته این سیاست موفق بود و با اندکی تغییر برای کشورهای مختلف قابل تعمیم می‌باشد.

۴- نگرش سیستمی به صنایع روستایی:

برخورد با صنایع روستایی و یا تخصیص اعتبار به این بخش باید بصورت نظام مند باشد و صرفاً به فواید اقتصادی و یا اجتماعی صنایع روستایی توجه نشود بلکه باید بصورت «کلی واحد» به مسایل و جوانب صنایع روستایی نگریسته شود.

۵- ایجاد و حمایت صندوقهای اعتباری محلی:

با عنایت به مسائل و مشکلاتی که روستاییان و کارآفرینان روستایی در دریافت اعتبار از مناطق شهری دارند، ایجاد صندوقهای اعتباری خودگردان محلی، در مناطق روستایی احساس می‌گردد که البته این صندوقها به حمایت اولیه دولت از لحاظ اعتباری و ارائه آموزشهای تدریجی جهت ایجاد آگاهی و انگیزه در روستاییان و آموزش امور اداری و کمک به تدوین اساسنامه نیاز دارند.

منابع فارسی

- ۱- تودارو، مایکل «توسعه اقتصادی در جهان سوم»، ترجمه غلامعلی فرجادی، مؤسسه پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۷.
- ۲- جهان دوست، رسول، «بحثی پیرامون ضرورت تشکیل صندوق اعتبارات روستایی»، ماهنامه جهاد شماره ۱۸۵-۱۸۴، ۱۳۷۵.
- ۳- حوزه معاونت حقوقی و امور مجلس، «مجموعه قوانین و مقررات کشاورزی»، ۱۳۷۰-۱۳۰۹، انتشارات وزارت کشاورزی، چاپ اول، ۱۳۷۱.
- ۴- روزبهان، محمود، «میانی توسعه اقتصادی»، انتشارات تابان، چاپ سوم، ۱۳۷۱.
- ۵- شاهین فرد، رضا، «ارزیابی اثرات تولیدی اعتبارات بانک کشاورزی» (پایان نامه کارشناسی ارشد گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه تهران)، ۱۳۷۲.
- ۶- طاهرخانی، مهدی، «صنعتی شدن روستا»، اداره کل طرحهای صنعتی و بهره‌برداری، وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۹.
- ۸- عمادی، محمدحسین، «چالشها و راهبردهای ارتقای بهره‌وری در صنایع روستایی»، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده در همایش صنایع روستایی، اداره کل طرحهای صنعتی و بهره‌برداری، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۹.
- ۸- قندهاری، غلامحسین، «اعتبارات کشاورزی و رابطه آن با توسعه اقتصادی ایران» (پایان نامه فوق لیسانس رشته توسعه اقتصادی دانشگاه تهران)، ۱۳۵۰.
- ۹- کویاهی، مجید، «اصول اقتصاد کشاورزی»، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
- ۱۰- مهر فرد، علی اکبر، «صنایع روستایی فرایندی در تکمیل تولید و اشتغال»، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات ارائه شده در همایش صنایع روستایی، اداره کل طرحهای صنعتی و بهره‌برداری، وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۹.
- ۱۱- معینی نعمتی، حسن، «بررسی عوامل مؤثر بر توسعه صنایع مناسب در مناطق روستایی» (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته توسعه اقتصادی دانشگاه تهران)، ۱۳۷۰.
- ۱۲- مهندسان مشاور DHV، «رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی»، جلد دوم، ترجمه شاهپوری و همکاران، روستا و توسعه، شماره ۲۳.

منابع انگلیسی

- 1- Bell, Clive, "Credit Markets and interlinked Transactions", Handbook of Developmant Economics V3A, edited by, Jere. Behrman etal, Elsevier, 1995.
- 2- Besley.T, "Saving, Credit & Insurance", Handbook of Developmant Economics V3A, edited by, Jere. Behrman etal, Elsevier, 1995.
- 3- Chakraverty. S, Writings Developmant, oxford university press, 1997.
- 4- Gillis, M, et al, Economics of Developmant, NewYork, London: ww. Norton & Company, third editions, 1992.
- 5- Choe.Y, et al, Rural industrialization and Non-farm activites of Asian Farmers, Korea: Rural economics institute, 1986.
- 6- Gersouitz, M, "Saving and Development", Handbook of Development Economics V3A, edited by, Jere. Behrman etal, Elsevier, 1995.
- 7- Feder, G, etal, "Relationship between Credit and Productiving in Chinese Agriculture: Amicroeconomic model pf Disequilibrium", American Journal Agriculture Economics Vol.7, No.5,pp51-57.
- 8- Khan.R, "Role of Credit in rural Development", Journal of Rural Development and adminstration, 1992,24; 1,pp 58-69.
- 9- National Bank for Agriculture and Rural Development, "Development of industries in Rural Areas: Prosblesms, Prospects and role of Credit", Issues in rural Development, 1998, 101-128.
- 10- World Commission on Enviroment and Development, Our common future, oxford university press, 1987.

پی نوشت‌ها:

- 1- Trickle down
- 2- sustainable Development
- 3- World commission on Enviroment and Development

۶- نقش ترویج:

با توجه به مباحث مطرح شده و بند پنجم نتیجه‌گیری، مکتب ترویج می‌تواند نقش مهم و اساسی در دسترسی به اعتبارات و نهایتاً توسعه صنایع روستایی ایفا نماید.